

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

ص-ه و الْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (1)

صاد. قسم به قرآن صاحب پند. (1)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ (2)

بلکه آنانکه نامعتقد شدند در غرور و مخالفت اند. (2)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَ لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (3)

چقدر هلاک کردیم ما از پیش ایشان از نسل ها پس فریاد کردند و نبود دیگر وقت فرار.

(3)

وَ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ مَلِي وَ قَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذَّابٌ (4)

و شگفت کردند آنکه آمد ایشان را بیم دهنده از خود شان؛ و گفتند نامعتقدان: این جادوگر

دروغ گوی است. (4)

أَجْعَلِ الْأَلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا مَلِي إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ (5)

آیا ساخت معبودان را معبود یگانه؟ هر آئینه این البته چیزی است شگفت انگیز. (5)

وَ انطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امشُوا وَ اصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهِتِكُمْ مَلِي إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (6)

و برفت اشرافیان از ایشان، آنکه بروید و شکیبائی کنید بر معبودان خود؛ هر آئینه این البته

چیزی است که خواسته می شود. (6)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْأَخْرَةِ إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ (7)

نشنیدیم ما از این در دین دیگری، نیست این مگر دروغ محض. (7)

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي مَلِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ (8)

آیا فرود آورده شده بر او قرآن از میان ما؟ بلکه ایشان در شک اند از پند من؛ بلکه البته

(هنوز) نچشیده اند عذاب مرا. (8)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (9)

یا نزد ایشان است خزانه های رحمت پروردگار تو غالب، بخشاینده؟ (9)

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا ۚ قَلِيلٌ تَقْوًا فِي الْأَسْبَابِ (10)

یا برای ایشان است پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان آنها است؟! پس باید بالا روند با وسائل. (10)

جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ (11)

لشکری، آنکه آنجا شکست خورده از گروه ها. (11)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (12)

به دروغ نسبت کرد پیش ایشان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب میخ ها. (12)

وَ ثَمُودُ وَ قَوْمُ لُوطٍ وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ۚ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ (13)

و ثمود و قوم لوط و باشندگان ایکه (منتقۀ با درخت ها خورد تر از جنگل ها). آنها گروه ها بودند. (13)

إِن كُنتُمْ إِلَّا كَذَّبُ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (14)

نیست همه مگر به دروغ نسبت کرد پیغمبران را پس حتمی شد عقوبت. (14)

وَ مَا يَنْظُرُ هِيَ ۖ ۚ وَ لَا ۖ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقِ (15)

و نمی کشند انتظار اینان مگر نعره تندی یگانه را، نیست برای آن از توقف. (15)

وَ قَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (16)

و گفتند: پروردگار ما به زودی بده برای ما سهم ما را پیش روز حساب. (16)

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ ۚ إِنَّهُ ۖ ۚ أَوَّابٌ (17)

شکیبایی کن بر آنچه می گویند و یاد کن بنده ما داود را، صاحب قوت؛ هر آینه او بود رجوع کننده. (17)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِشْرَاقِ (18)

هر آئینه ما خدمت گذار ساختیم کوه ها را همراه او تسبیح می گفتند به شام و وقت آفتاب بر آمد. (18)

وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً صلى كُلُّ لَهُمْ أَوَابٌ (19)

و پرنده گان را جمع شده؛ همه برای او رجوع کننده. (19)

وَ شَدَدْنَا مُلْكَهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَصَّلَ الْخِطَابِ (20)

و قوی ساختیم ما پادشاهی او را و دادیم ما او را هوشیاری و سخن فیصله دهنده. (20)

وَ هَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (21)

و آیا آمده است به تو خبر خصومت کننده گان چون از دیوار جستند به عبادتگاه؟ (21)

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ صلى قَالُوا لَا تَخَفْ صلى خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ لَا تَشْطِطْ وَ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (22)

چون در آمدند بر داوود پس ترسید از ایشان؛ گفتند: نترس؛ دو خصومت کننده (ایم)، ستم کرد یکی از ما بر دیگری پس داوری کن میان ما به حق و نکن بیعدلی و رهنمائی کن ما را به سوی راه برابر. (22)

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (23)

هر آئینه این برادر من است، برای او نود و نه گوسفند (میش) است و برای من یک میش، پس گفت: بسیار به من سر پرستی آن را و مغلوب ساخته است مرا در سخن. (23)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجِكَ إِلَى نَعَاجِهِ صلى وَ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَّا هُمْ صلى وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ | (24)

گفت: البته به یقین ستم کرد بر تو با خواستن میش تو به سوی میش های خود؛ و هر آئینه بسیاری از شرکاء البته ستم می کنند بعضی ایشان بر بعضی مگر آنانکه ایمان آوردند و کردند کار های شایسته و اندک اند ایشان. و دانست داوود آنکه جز این نیست که آزمودیم ما او را پس طلب آمرزش کرد پروردگار خود را و افتاد سجده کنان و به توبه برگشت (به)

خدا). | (24)

فَعَفَرْنَا لَهُ دَالِكَ صلى وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنَ مَنَابٍ (25)

پس آمرزیدیم ما برای او این (لغزش او را)؛ و هرآئینه برای او نزد ما است البته نزدیکی و نیک باز گشتی. (25)

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (26)

ای داوود هرآئینه ما ساختیم ترا جانشین (پادشاه) در زمین پس داوری کن میان مردم به حق و نکن پیروی خواهش نفس را چون گمراه می کند ترا از راه خدا. هرآئینه آنانکه گمراه می شوند از راه خدا، برای ایشان عذاب سخت است به (سبب) آنکه فراموش کردند روز حساب را. (26)

وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (27)

و نه آفریدیم ما آسمان و زمین را و آنچه میان آنها است بیهوده. این گمان آنان است که نامعتقد شدند. پس وای برای آنانکه نامعتقد شدند از آتش. (27)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (28)

یا می سازیم ما آنان را که ایمان آوردند و کردند کار های شایسته مانند تباه کاران در زمین یا می سازیم ما پرهیزگاران را مانند بد کاران؟ (28)

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ ۚ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (29)

کتابی که فرود فرستادیم ما آن را به سوی تو با برکت شده تا تأمل کنند آیت های آن را و تا پند گیرند صاحبان خرد. (29)

وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ ۚ نِعَمَ الْعَبْدِ صلى إِنَّهُ- أَوَّابٌ (30)

و اعطاء کردیم ما برای داوود سلیمان را. نیک بنده؛ هرآئینه او بود رجوع کننده. (30)

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ (31)

چون پیش کرده شد بر او در شامگاهان اسپان بر دو پا ایستاده، اسپان تیز رو. (31)

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (32)

پس گفت: هر آئینه من دوست داشتم دوستی نیکی را از یاد پروردگار من تا اینکه پنهان شدند در پرده. (32)

رُدُّوْهَا عَلَيَّ مِثْلَ فُطْفُقٍ مَّسْحُومٍ بِالسُّوقِ وَ الْأَعْنَاقِ (33)

برگردانید آنها را بر من؛ پس شروع کرد دست کشیدن به ساق ها و گردن ها. (33)

وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (34)

و البته به یقین آزمودیم ما سلیمان را و انداختیم ما بر تخت او کالبدی باز به توبه برگشت (به خدا). (34)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (35)

گفت: پروردگار من بپامرز برای من و اعطاء کن برای من پادشاهی که نه سزد برای هیچ کسی از بعد من؛ هر آئینه تو، توئی بخشاینده. (35)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (36)

پس خدمت گذار ساختیم ما برای او شمال را می رفت به فرمان او به آرامی آنجا که می خواست. (36)

وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَ غَوَّاصٍ (37)

و دیو ها را همه معمار و شناور. (37)

وَ آخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (38)

و دیگران بسته شده در زنجیر ها. (38)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (39)

این است بخشش ما پس منت گذار یا باز دار به غیر حسابی. (39)

وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَازْفَىٰ وَ حُسْنَ مَّآبٍ (40)

و هر آئینه برای او نزد ما البته نزدیکی و نیک باز گشتی است. (40)

وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ - أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ (41)

و یاد کن بنده ما ایوب را چون ندا کرد پروردگار خود را آنکه: دست رسانیده است مرا شیطان به رنجوری و درد. (41)

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ صلى هَذَا مُعْتَسِلًا بَارِدًا وَ شَرَابًا (42)

بزن زمین را با پای خود؛ این (چشمه است) برای غسل، سرد و نوشیدنی. (42)

وَ وَهَبْنَا لَهُ - أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَ ذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ (43)

و اعطاء کردیم ما برای او اهل او را و مانند ایشان همراه ایشان رحمتی از جانب ما و پندی برای صاحبان خرد. (43)

وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُتْ صلى إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ صلى إِنَّهُ - أَوَّابٌ (44)

و بگیر به دست خود دسته از سبزه را پس بزن با آن و نشکن سوگند را. هر آئینه ما یافتیم او را شکیبائی. نیک بنده؛ هر آئینه او بود رجوع کننده. (44)

وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارِ (45)

و یاد کن بنده گان ما ابراهیم را و اسحاق را و یعقوب را صاحبان قوت و بینش. (45)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (46)

هر آئینه ما برگزیدیم ایشان را با خاصیت مخصوص یاد کردن سرای (آخرت). (46)

وَ إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ (47)

و هر آئینه ایشان نزد ما البته از برگزیده گان، بهترین نیکان اند. (47)

وَ اذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَ الْيَسَعَ وَ ذَا الْكِفْلِ صلى وَ كُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ (48)

و یاد کن اسماعیل را و الیسع را و ذا کفل را؛ و همه از بهترین نیکان بودند. (48)

هَذَا ذِكْرُهُ وَ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنٍ مَّآبٍ (49)

این پندی است. و هر آئینه برای پرهیزگاران البته نیک باز گشت است. (49)

جَنَّتِ عَدْنٌ مُفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ (50)

بوستان های همیشه گی، باز کرده شده برای شان دروازه ها. (50)

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَكَهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ (51)

تکیه کنان در آنجا می طلبند در آنچه میوه های بسیار و نوشیدنی ها. (51)

وَ عِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (52)

و نزد ایشان زنان چشمان خمار آلود هم سن و سال. (52)

هَذَا مَا تُوعِدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (53)

این است آنچه وعده داده می شوید برای روز حساب. (53)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ (54)

هرآئینه این است البته روزی ما، نیست برای آن از نابودی. (54)

هَذَاهِ وَ إِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرَّ مَنَابٍ (55)

این. و هرآئینه برای سرکشان البته بدترین باز گشت است. (55)

جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (56)

دوزخ، در می آیند و می سوزند آنجا پس بد آرامگاه است. (56)

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَ غَسَّاقٌ (57)

این، پس باید بچشند آن را، آب جوشان و زرداب. (57)

وَ آخِرُ مِنْ سُكُلِهِ - أَرْوَاجٌ (58)

و دیگر از مثل آن انواع و اقسام. (58)

هَذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ سِ لَى لَا مَرَحَبَاءَ بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ (59)

این گروه زیاد به زور انداخته شده همراه شما؛ نیست خوش آمدی به ایشان. هرآئینه ایشان

سوختند در آتش. (59)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبَاءَ بِكُمْ صلى أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا صلى فَبئسَ الْقَرَارُ (60)

گفتند: بلکه شما نیست خوش آمدی برای شما؛ شما پیش آوردید عذاب را برای ما؛ پس بد است فیصله. (60)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (61)

گفتند: پروردگار ما کسی که پیش آورد برای ما این را پس زیاده ساز او را عذاب دو چند در آتش. (61)

وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ (62)

و گفتند: چیست برای ما که نمی بینیم مردانی را که بودیم می شماریدیم ایشان را از بد کاران؟ (62)

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ (63)

آیا گرفتیم ایشان را مسخره یا برگشت از ایشان چشم ها. (63)

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (64)

هر آئینه این البته حق است: با یکدیگر خصومت کردن باشندگان دوزخ. (64)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ صلى وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (65)

بگو: جز این نیست که هر آئینه من بیم دهنده ام؛ و نیست از معبودی مگر خدا، یگانه، غالب بر هر چیز و بر هر کس. (65)

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (66)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است، غالب، آمرزگار. (66)

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (67)

بگو: این است خبری بزرگی. (67)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (68)

شما از او رو گرداننده گانید. (68)



مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ - إِذْ يَخْتَصِمُونَ (69)

نیست برای من از دانش به جماعت بلند قدر (فرشته گان) چون با یکدیگر سؤال و جواب می کنند. (69)

إِنْ يُوحَىٰ - إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (70)

نمی شود وحی به من مگر جز این نیست که من بیم دهنده آشکارم. (70)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِ - يَكْفِيكَ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (71)

وقتی که گفت پروردگار تو برای فرشته گان: هر آینه من آفریننده ام انسانی را از خاک. (71)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُمْ وَنَفَخْتُ فِيهِمْ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُمْ سَاجِدِينَ (72)

پس وقتی که متناسب ساختم او را و دمیدم در او از روح خود پس بیفتید برای او سجده کنان. (72)

فَسَجَدَ الْمَلَأِ - يَكْفِيكَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (73)

پس سجده کردند فرشته گان همه ایشان همه یکجا. (73)

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (74)

مگر ابلیس، تکبر کرد و شد از نامعتقدان. (74)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي صَلَىٰ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ (75)

گفت: ای ابلیس چه باز داشت ترا از آنکه سجده کنی برای آنچه آفریدم من با دو دست خود؟ آیا تکبر کردی یا بودی از بلند قدران؟ (75)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ صَلَىٰ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (76)

گفت: من بهتر از او هستم؛ آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از خاک. (76)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (77)

گفت: پس بیرون رو از آن پس هر آینه تو رانده شده ای. (77)

وَ إِنَّ عَلَيْكَ لَعَنَتِي - إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (78)

و هر آئینه بر تو است نفرین من تا روز جزا. (78)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي - إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (79)

گفت: پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته می شوند. (79)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (80)

گفت: پس هر آئینه تو از مهلت داده شده گانی. (80)

إِلَى يَوْمِ الْوَفْتِ الْمَعْلُومِ (81)

تا روز وقت معین. (81)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ (82)

گفت: پس قسم به عزت تو، البته گمراه کنم ایشان را همه یکجا. (82)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (83)

مگر بنده گان ترا از ایشان خالص ساخته را (بر گزیده گان را). (83)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ (84)

گفت: پس راست هستم من و راست سخن می گویم. (84)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ مِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (85)

البته پر کنم دوزخ را از تو و از کسی که پیروی کرد ترا از ایشان همه یکجا. (85)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (86)

بگو: نمی طلبم از شما بر آن (تبلیغ قرآن) از پاداشی و نیستم من از ساخته کاران و وانمود

کننده گان. (86)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (87)

نیست آن (قرآن) مگر پندی برای جهانیان. (87)

وَ اتَّعَلَّمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (88)

و البته می دانید خبر او را (صدق آنچه را که در آن است) بعد مدتی. (88)